

جناب آقای خسرو قدیری

با خرسندی بسیار از اینکه شما و دیگر همزمانتان گردهمایی تازه‌ای زیر عنوان «دومین کنگره‌ی جبهه‌ی ملی ایران در آمریکا» بر پا می‌دارید و بی‌شک رایزنی‌های سودمندی برای رهیافت‌های شایسته خواهید داشت، فرصت را غنیمت شمرده اندکی از آنچه را سبب دغدغه‌ی خاطر سلطه‌ستیزان سازش‌ناپذیر شده است یادآوری می‌نمایم. در رویارویی با ساختار واپس‌گرا و انحصارگر جمهوری اسلامی، انتظار اعجاز از جابه‌جایی مهره‌ها خطاست و باید پیگیرانه دگرگونی ریشه‌دار دلخواه مردم را خواستار گردید؛ و به‌طورکلی، در این خانه‌ی از پای‌بست ویران، نشاید دل به نقش ایوان بست و بر سر آن به چون‌وچرا نشست.

با افسوس، پاره‌ای از سازمان‌های سیاسی دگراندیش ایرانی در برابر صحنه‌آرایی‌ها و کشمکش‌های درونی سران جمهوری اسلامی دچار نوقزدگی و سردرگمی شده‌اند و حتی صف‌شکنی‌هایی در پیکارهای رهایی‌بخش ملی پدید آمده که زیان‌های بسیاری دربرداشته است. در چنین هنگامه‌ای، ناسازواران راستین با روند یکه‌تازی فراگیر در ایران، چه به گونه‌ی فردی و چه جمعی، باید برقراری مردم‌سالاری پایدار را هدف قرار دهند و، در این راستا، بازنگری در قانون اساسی را به نحوی که دربردارنده‌ی زنده‌داشت حاکمیت ملی، جدایی دین از دولت، و رفع هر گونه تبعیض در حقوق مدنی و سیاسی زنان و مردان و دیگر نیازهای تاریخی و اجتماعی ایرانیان باشد پافشارانه طلب کنند.

من، که همچنان سربازی در اردوی مصدق بزرگم، به آینده‌ی تکاپوهای مردمی پاگرفته در گوشه‌وکنار کشور با امید فراوان می‌نگرم و به همه‌ی کوشندگان راه شکل‌سازمانی دادن به آن درود می‌فرستم و باور دارم تنها در پرتو بازسازی «همبستگی همگانی» و با کارآوری‌های سنجیده می‌توان ایران دیرینه‌سال را به یکپارچگی و آزادی و آبادی رسانید.

با درود دوباره

داریوش فروهر

## حزب ملت ایران

دفتر ویژه دبیر

جناب آقای خسرو قدیری

با خرسندی بسیار از اینکه شما و دیگر همزمانتان گرد همایی تازه‌ای زیر عنوان "دومین کنگره جبهه ملی ایران در آمریکا" برپا میدارید و بی‌شک راینیهای سودمندی برای رهیافتهای شایسته خواهید داشت، فرصت را غنیمت شمرده اندکی از آنچه راسبب دغدغهی خاطر سلطه‌ستیزان سازش‌ناپذیر شده است، یادآوری مینمایم.

در روبارویی با ساختار واپسگرا و انحصارگر جمهوری اسلامی انتشار اعجاز از جابجایی مهرها خطاست و باید پیگیرانه دگرگونی ریشه‌دار دلخواه مردم را خواستار گردید و بطورکلی در این خانه‌ی ازپای بست ویران نشاید دل به نقش ایوان بست و برسر آن به چون و چرا نشست.

با افسوس پاره‌ای از سازمانهای سیاسی دگراندیش ایرانی در برابر محنه‌آرائیها و کشمکشهای درونی سران جمهوری اسلامی، دچار ذوقزدگی و سردرگمی شده‌اند و حتی صف شکنیهایی در رپیکارهای رهائیبخش ملی پدید آمده که زیانهای بسیاری در بر داشته است.

در چنین هنگامه‌ای، ناسازواران راستین با روند یکته‌تازی فراگیر در ایران چه به گونه‌ی فردی و چه جمعی باید برقراری مرد مسالاری پایدار را هدف قرار دهند و در این راستا بازنگری در قانون اساسی را بنحوی که در بردارنده‌ی زنده‌ی داشت حاکمیت ملی، جدایی دین از دولت و رفع هرگونه تبعیض در حقوق مدنی و سیاسی زنان و مردان و دیگر نیازهای تاریخی و اجتماعی ایرانیان باشد، پافشارانه طلب کنند. من که همچنان سربازی در اردوی مصدق بزرگم به آینه‌ی تکاپوهای مردمی پاگرفته در گوشه و کنار کشور با امید فراوان می‌نگرم و به همهی کوشندگان راه شکل‌سازمانی دادن به آن درود می‌فرستم و باور دارم تنها در رپرتو بازسازی "همبستگی همگانی" و با کارآوریهای سنجیده میتوان ایران دیرینه سال را به یکپارچگی و آزادی و آبادی رسانید.

بادرود دوباره

داریوش فروهر



۱۳۰۷۲۳/۱۸